

## زمینه‌ها و ضرورت‌های تأسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی

هادی مراد پیری<sup>۱</sup>، هادی ذکاء دادگستر<sup>۲</sup>، احسان جعفری‌فر<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

### چکیده:

خاستگاه نظریات روابط بین‌الملل کنونی ریشه در تحولات، اندیشه‌ها و نگرش‌های غربی دارد. از همین رو مبحث امکان‌سنجی پیدایش و ظهور اندیشه‌های جدید غیر غربی یکی از مسائلی است که مورد توجه اندیشه‌ورزان و عالمان رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل قرار گرفته است. در این پژوهش نویسندگان کوشیده‌اند تا بر ظرفیت‌ها و ضرورت‌های تأسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی تأکید کنند و از همین رو پرسش اصلی این پژوهش این است که زمینه‌ها و ضرورت‌های تأسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه دین و نظریات روابط بین‌الملل در چارچوب نظریات غربی نمی‌تواند گویای ماهیت واقعی نظریه روابط بین‌الملل از منظر دینی به‌ویژه اسلام باشد و با در نظر گرفتن تحولات جدید و نقش آفرینی دین در روابط بین‌الملل می‌توان بیان داشت که رو ضرورت تأسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی بر طبق مبانی و منابع اسلامی می‌تواند به‌صورت یک نظریه جدید مورد توجه قرار بگیرد. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**واژگان اصلی:** روابط بین‌الملل، دین، اسلام، نظریه سیاسی.

۱. دانشیار علوم دفاعی راهبردی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

وجود نظریات غربی روابط بین‌الملل به صورت متمادی و فراگیر به عنوان دانش شناخت روابط بین‌الملل در کشورهای مختلف جهان مورد شناخت قرار گرفته است. با این حال در توضیح اینکه آیا روابط بین‌الملل تنها باید با روایت غربی غالب که مباحث فعلی آکادمیکی و چارچوب تحلیل‌های علمی را فراهم کرده است مورد توجه واقع شود و اینکه هرگونه تحولات جدید در نظریات نیز تنها باید توسط اندیشمندان غربی رایج شود یک پرسش اساسی است. همچنین اینکه آیا تمام نظریات غربی درست و کامل هستند یا گاهاً نقدهای اساسی که بر چارچوب نظریات موجود و انتقاد از برخی تقلیل‌گرایی موضوعات و مفاهیم در روابط بین‌الملل می‌توانند موجب تحول در نظریه پردازی روابط بین‌الملل شوند موجب شده است که انگیزه پرداختن به این موضوع توسط نویسندگان این پژوهش را برتابد هرچند که پرداختن به نظریات غیر غربی توسط سایر اندیشمندان کشورهای مختلف نیز کم‌اکنون مورد تخصص و توجه قرار گرفته است.

با رجوع به برخی منابع ملاحظه شد که پیش‌تر این مباحث در آثار نویسندگانی وجود دارد برای مثال در منابع داخلی در اثر دکتر قوام و همکاران در کتاب "نظریه روابط بین‌الملل" در یک فصل مجزا به انواع دیدگاه‌ها در خصوص فقدان نظریه غیر غربی روابط بین‌الملل پرداخته شده است. در منابع مختلف خارجی نیز این موضوع چه قالب مکتب انتقادی که جریانی منتقد از جامعه علمی غربی به نقد نظریات غربی پرداخته شده است از جمله در اثر باری بوزان<sup>۱</sup> در اثر "تئوری روابط بین‌الملل غیر غربی: دیدگاه‌ها در آسیا و فراتر از آن" دیده می‌شود. در این آثار کم و بیش نظر نویسندگان علاوه بر امکان وجود یا عدم وجود نظریات غیر غربی روابط بین‌الملل گاهاً نیز اذعان می‌شود که تسلط دانش غربی را مانع رشد دانش‌ها از جمله در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل می‌داند.

همان‌طور که ریشه مباحث دانش روابط بین‌الملل با منشأ غربی به مقوله جنگ و صلح در عرصه بین‌الملل و کنشگران بین‌المللی می‌پردازد می‌توان چنین بیان داشت که دست کم بحث‌های جنگ و صلح و روابط بین‌الملل نیز می‌تواند از منظرهای دیگری مورد توجه قرار بگیرد؛ همان‌گونه که منتقدان غربی نیز بر غالب بودن جریان اصلی در نظریات روابط بین‌الملل انتقادات متعددی را وارد ساخته‌اند. دگردیسی در مفهوم نظریه‌پردازی فعلی ایجاب می‌کند که حتی با عبور از شیوه بررسی

<sup>۱</sup> Barry Buzan

مکاتب انتقادی غربی به‌سوی چارچوب‌هایی جدیدی در روابط بین‌الملل پیش برویم که بتوان با عبور از دیدگاه‌های قدیمی و رایج فعلی که خود مانعی بر شناخت پدیده‌های جدید و پیچیده عصر حاضر است به آشنایی با دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مقوله بین‌الملل تأکید کند. مباحث مربوط به دین و روابط بین‌الملل یکی از این موارد است.

به نظر نگارندگان درحالی که خود روابط بین‌الملل از نظر دینی که مشخصاً در این پژوهش اسلام مدنظر است به‌صورت دقیق شناخته و پرداخته نشده است با این حال نظریات مختلف در رابطه با دین و روابط بین‌الملل تنها به رفتار کنشگرانی که به نام دین اقدام می‌کنند تقلیل داده شده است. حال لازمه این موضوع که بین نظریه دین روابط بین‌الملل تا اقدام کنشگران چه نسبتی می‌توان برقرار کرد به این مقوله بازمی‌گردد که باید ابتدا از ضعف وجود نظریه روابط بین‌الملل دینی عبور کرد. پاسخگویی به طرح این مسئله که چرا باید در جهان مدرنیته امروز که بسیاری از جدایی دین و سیاست صحبت می‌کنند حائز اهمیت است هدف اصلی این پژوهش است بنابراین این پژوهش درصدد پرداختن به این پرسش برآمده است که زمینه‌ها و ضرورت‌های تأسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی چیست؟ در پاسخ به پرسش مطرح شده این فرضیه مطرح شده است که رسیدن به یک نظریه روابط بین‌الملل غیر غربی و با روایت اسلامی با در نظر گرفتن زمینه‌های تحول در ماهیت کنشگران بین‌المللی، تأثیرگذاری فقه در عرصه بین‌الملل، افزایش مطالعات دینی روابط بین‌الملل می‌تواند بر تأسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی را تأکید کرد. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

### مباحث نظری

در خصوص خاستگاه اولیه دانش روابط بین‌الملل سه دیدگاه و روایت اصلی وجود دارد. اولین روایت خاستگاه اولیه این دانش را جنگ پلوپنزی در ۲۵۰۰ سال پیش بین شهرهای آتن و اسپارت می‌داند که توسط توسیدید مورخ یونانی نیز در کتاب جنگ‌های پلوپنزی آمده است. روایت دوم صلح وستفاليا در سال ۱۶۴۸ است که واحدهای سیاسی دولت-ملت در اروپا پدیدار شد. روایت سوم خاستگاه آن را در دانشگاه‌های اروپا و آمریکا در سال ۱۹۱۹ می‌داند که با مدیریت استادانی چون زیمرن و ویستر در جریان انقلاب رفتاری دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به‌عنوان رشته علمی توجه شده است. موضوع اصلی رشته روابط بین‌الملل برقراری نظم و صلح بین‌المللی است (رسولی ثانی

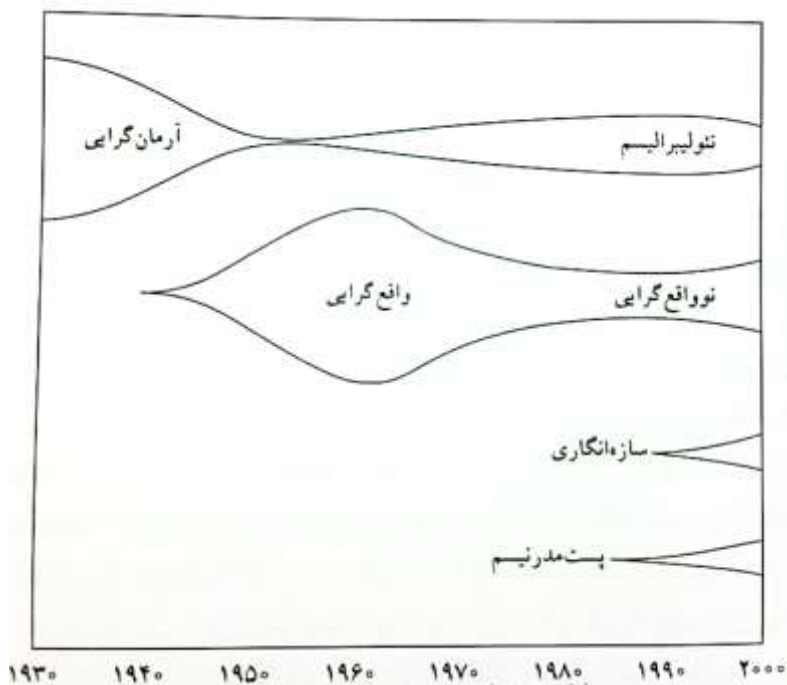
آبادی، ۱۴۰۱: ۱۶-۱۵)؛ بنابراین روابط بین‌الملل به‌عنوان بخشی از دانش بشری در طول تاریخ شکل گرفته است و همانند سایر رشته‌ها می‌تواند با جریانات فکری متعدد توسعه یابد. هرچند که رسیدن به یک نظریه جدید در روابط بین‌الملل نیازمند عبور از فرآیندهای فرائض نظری است که مباحث شکل‌گیری یک نظریه را مورد واکاوی قرار می‌دهد. با این حال این پژوهش به دنبال بررسی این موضوع است که در عصر جدید تحولات متعددی بل‌اخص در حوزه امنیت و صلح بین‌المللی رخ داده است که می‌تواند خاستگاه جدیدی برای نظریه‌پردازی جدید باشد.

تعاریف متعددی از نظریه در علوم اجتماعی ارائه شده است امری که نشانه تعدد تعاریف نشانه عدم وفاق در ارائه تعریف یا تعاریف منطقی فراگیر به شمار می‌رود. این عدم وفاق در تعریف ناشی از عواملی چند است:

۱- ماهیت نظریه؛ ۲- موضوعات و مباحث؛ ۳- تعدد دیدگاه؛ ۴- اثر موقعیت‌های متفاوت در دیدگاه نظریه پرداز؛ ۵- \* شرایط فرهنگی در توسعه نظریه با این حال با بررسی برخی مباحث تعریف به نسبت جامع از نظریه را میتوان چنین بیان کرد که نظریه عبارت است از مجموعه گزاره‌ایی که نسبتاً مجرد و عمومی بوده و در داخل یک علم، کلیت واحد قابل فهمی را تشکیل میدهد و در تعیین برخی از وجوه حیات جمعی بکار می‌رود (حقیقت، ۱۳۹۸: ۳۷). تعریف نظریه روابط بین‌الملل به معنای عام عبارت است از مجموعه‌ای منسجم و دقیق از مفاهیم، مقولات، تعاریف و گزاره‌های مرتبط و منطقی که یک اندیشه و ایده نظاممند را در مورد روابط بین‌الملل بیان میکند. این تعریف عام تنها به نظریه علمی و تجربی محدود و منحصر نمی‌شود و تعاریف مختلف نظریه فراتجربی را نیز در بر می‌گیرد اما در معنای خاص نظریه تجربی روابط بین‌الملل عبارت است از یک دسته گزاره‌های تجربی آزموده شده و مورد مقبول که حاصل مجموعه‌ای از تعمیمات تجربی هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۱۸-۱۱۷). در همین راستا در دسته‌بندی نظریات به‌طور کلی جریان غالب در روابط بین‌الملل هرچند تا حدودی بر سر تعیین حد و مرز پیچیده و مجادله‌آمیز بوده است اما بر سر اجزای هسته‌ای یا کانونی این جریان اجماعی نسبتاً کامل وجود دارد که عبارتند از واقع‌گرایی، نو واقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری و دیدگاهی که اغلب کثرت باوری، لیبرالیسم، نهادگرایی لیبرال بین‌دولتی گرایی لیبرال، نظریه وابستگی متقابل است ولی با قرار دادن سازه‌انگاری و پست مدرنیسم در چارچوب جریان غالب

مسئله بحث برانگیز تر می شود زیرا به نظر برخی اندیشمندان برخی از این نظریات هنوز تا سطحی که خود را به عنوان نظریه و با نگرش علمی ثابت کند فعلاً فاصله دارند (های، ۱۳۹۷: ۳۶) با این حال انتقادات متعددی بر اینکه تبیین رویدادهای سیاسی نمیتواند از بستری قابل پذیرش باشد که برخی جریان ها با تاکید وافر بر عقل گرایی، رفتار گرایی یا عین گرایی صورت بگیرد. از همین رو مباحث جدید در نظریات انتقادی تلاش دارد تا نقطه عزیمت بررسی پدیده ها و رویدادهای بین المللی را صرفاً با نگاه جریان غالب ننگرد. از نظر برخی مستقدان هدف نظریات مطرح شده صرفاً ابزاری در خدمت سیاست برخی کشورها و با هدف کنترل و کسب منافع است این در حالی است که برخی معتقدند نظریاتی که در خدمت هدفی قرار باشند هرگز رسالت رهایی بخشی نخواهند داشت. در همین راستا می توان بیان داشت که تقویت مطالعات دین و روابط بین الملل در جهت عبور از نظریات غالب و غربی است.

#### فرآیند تحول نظریه روابط بین الملل



منبع: (های، ۱۳۹۷: ۳۹)

نمودار بالا نشان می‌دهد که اولاً نظریات روابط بین‌الملل در طول زمان دچار دگرگونی‌هایی شده‌اند؛ به علاوه این نظریات صرفاً رویکرد عینی ندارند و مسائل ذهنی مورد توجه اندیشمندان نیز قرار گرفته است. به علاوه نظریات فوق بیانگر آن است که هرچند نظریات در زمان‌های دچار افت و خیزان شده‌اند اما به حیات خود در کنار سایر نظریات کم و بیش ادامه داده‌اند و طرفداران هر نظریه سعی داشته‌اند تا با اصلاح نواقص و دیدگاه‌های نظریه به بازسازی نظریات اقدام کنند. با این همه باید گفت هیچ یک از این نظریات نمیتوانند پوشش دهنده تمام واقعیت‌ها و پدیده‌های بین‌المللی باشند.

### موانع تاسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی

در خصوص موانع تاسیس نظریه روابط بین‌الملل اسلامی دست کم می‌توان سه عامل تقلیل‌گرایی رابطه دین و سیاست، موانع زبانی ظهور نظریه روابط بین‌الملل اسلامی و عدم توجه به نظریه پردازی بومی را برشمرد.

#### ۱- تقلیل‌گرایی رابطه دین و سیاست

نحوه پرداختن به مسئله دین و سیاست بین‌الملل همان‌طور که اسکات توماس بیان می‌کند حداقل از هفت منظر و موضع متفاوت پرداخته شده است: دین به‌مثابه شکلی از ایدئولوژیک، شکلی از هویت، نظام باورهای فراملی، شکلی از قدرت نرم، بازیگران فراملی، تمدن یا عرصه فرهنگ و درنهایت دین به‌مثابه جوامع شناختی، (هادیان و شوری، ۱۳۹۶: ۲۱). باین حال می‌توان گفت هفت رهیافتی است که به گفته توماس، نظریه‌پردازان از منظر آن به موضوع نسبت دین و روابط بین‌الملل ورود کرده‌اند به‌صورت مشخص نظریه‌ای با عنوان نظریه روابط بین‌الملل دینی را شناسایی نکرده‌اند بلکه دیدگاه‌های متعددی هستند که درباره نقش دین در روابط بین‌الملل را از منظر مکاتب خود پرداخته‌اند.

#### ۲- موانع زبانی ظهور نظریه روابط بین‌الملل اسلامی

باید گفت هرچند امکان ظهور نظریه‌های روابط بین‌الملل غیر غربی وجود دارد اما به علت موانع زبانی یا به‌این‌علت که در حوزه‌های مطالعاتی خارج از حوزه‌ی تعریف‌شده روابط بین‌الملل غربی قرار می‌گیرند یا به علت سایر مشکلات از گفتمان غربی پنهان مانده و بنابراین در مناظرات جهانی منتشر نمی‌شوند (قوام و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰۷). الیزابت هرد<sup>۱</sup> این موضوع را روشن می‌کند که در مباحث

<sup>۱</sup> Elizabeth Hurd

مرتبط با اسلام در صحنه بین‌المللی مسئله به نقشی از سیاست قدرت تقلیل یافته است و/یا در بسیاری از موارد با رکود، جنگ، رادیکالیسم، عقب‌ماندگی یا استبداد و دیگر گرایش‌های منفی همراه شده است. او ادعا می‌کند که به اسلام و رابطه آن با سیاست جهانی بخشی از فرآیند دستکاری شده مطالعات اسلامی شده است. باید گفت در حالی که دانشمندان علوم اجتماعی غربی بر این باور بودند که دین دیگر عاملی مرتبط در جامعه و سیاست نخواهد بود، به‌ویژه کسانی که مدرنیزاسیون را به زوال دین به‌عنوان یک نیروی مهم اجتماعی و سیاسی مرتبط می‌دانند. باین‌حال، در چند دهه گذشته، اوضاع شروع به تغییر غیرمنتظره کرده است همان‌طور که افرادی چون اسکات توماس<sup>۱</sup> مسئله را بسیار جدی انگاشته و از تجدید مجدد جهانی دین<sup>۲</sup> صحبت می‌کند (Bakir, 2009).

### ۳- عدم توجه به نظریه پردازی بومی

هیچ منطقی در کار نیست که بیان کند نظریه‌های روابط بین‌الملل غربی تمام‌مسیرهای درست حقیقت را یافته‌اند. نظریه‌های روابط بین‌الملل غرب با استفاده از سلطه قدرت غربی در طول چند قرن گذشته به جایگاه هژمونیک گرامشین دست‌یافته است. اگر هر نظریه‌ای برای کسی و هدفی باشد پس عملاً نظریه جهان‌شمولی غرب نیز زیر سؤال است. از همین رو می‌توان بیان داشت که شرایط گوناگون تاریخی، فرهنگی، سیاسی و نهادی باعث ایجاد محیطی بر تولید نظریه بین‌الملل شده است. چنانچه از نظر تاریخی گرایش‌های مربوط به صلح و جنگ در روابط بین‌الملل ناشی از جنگ‌های جهانی بود که نگرانی‌های غرب را سعی کرد رفع سازد بدون آنکه بخواهد شکاف‌های نظری بین جهان غربی و غیر غربی را پر کند. یکی از دلایل دیگر این می‌تواند باشد که برخی از دانشمندان لیبرال نقش دین را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند زیرا به‌طور ضمنی نظریه مدرنیزاسیون لیبرال در مورد توسعه سیاسی را می‌پذیرند. یعنی نوسازی تاریخی یک فرآیند خطی است؛ که در آن اشکال لیبرالیسم مانند سرمایه‌داری، سکولاریسم و دموکراسی باهم رشد می‌کنند. با مدرن‌تر شدن و دموکراتیک‌تر شدن جوامع، دین به تدریج از معادله در این رویکرد حذف می‌شود. البته همه اندیشمندان لیبرال در تحلیل خود دین را کنار نگذاشته‌اند. برای مثال، اندرو موراویکا هویت‌های مذهبی را به‌عنوان منبع ترجیحی و علایق گروه اجتماعی در توصیف رویکرد لیبرال توصیف می‌کند (Torki, et al, 2021:83).

<sup>۱</sup> Scott Thomas

<sup>۲</sup> Gobar resurgence of religion

#### ۴- جدید بودن دانش روابط بین الملل

یکی از دلایلی که عمدتاً باعث شده است که نظریه روابط بین الملل دینی (اسلامی) شکل نگیرد به خاطر این است که هم خود دانش روابط بین الملل یک علم جدید است اما دلیل دیگر این می تواند باشد که برخی ضرورتی بر نظریه پردازی این موضوع نمی بینند و ترجیح می دهند دین در ذیل نظریات دیگر مطرح شود. از قرارداد وستفالی (۱۶۴۸) تحلیل گران سیاست بین الملل و دیپلمات ها بر روی اتحاد و برخورد میان ملت-کشورهای حاکم تأکید داشته اند که در آن کشورها بر اساس منافع ملی عمل می کنند در این میان دین تنها به امور شخصی و حیظه هایی ایدئولوژی محدود شده بود. در پایان جنگ جهانی دوم پارادایم جنگ سرد مجدداً بر اساس محوریت ملت-کشورها شکل گرفت تا اینکه پس از فروپاشی دیوار برلین دربرگیرنده مجموعه پیچیده تری از بازیگران جهانی از جمله گروه های قومی و قبیله ای، سازمان های بین المللی و فرامرزی... شد. در ادامه بعد از جنگ سرد و رشد فرآیند جهانی شدن پارادایم جدیدی در روابط بین الملل بر محوریت دین و معناگرایی در نظام بین الملل شکل گرفت که در این فرآیند ادیان بزرگ و بالأخص دین اسلام در ابعاد مختلف زندگی بشری همچون اقتصاد، سیاست، فرهنگ و همچنین معادلات نظام جهانی از جایگاه ویژه ای برخوردار شدند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۶-۱۵).

حال در ادامه در واکاوی این بحث به ضرورت های وجود ظرفیت نظریه پردازی دینی روابط بین الملل اشاره خواهد شد.

#### ضرورت شکل گیری نظریه روابط بین الملل اسلامی

در ادامه پژوهش تلاش دارد تا بیان کند که تأسیس نظریه روابط بین الملل اسلامی بنا به دلایل زیر ضرورت دارد:

##### ۱- تحول در ماهیت کنشگران بین المللی

واقعیت این است که نمی توان در طول تاریخ جایگاه دین را در سیاست و روابط بین الملل نادیده گرفت همان گونه که تاریخ گواه بسیاری از حوادثی است که برخاسته از ادیان و مذاهب بوده است اما عده ای تصور می کردند که با شکل گیری دولت مدرن پس از وستفالی که به جنگ های مذهبی پایان داد دین به یک امر ثانوی مبدل شده است اما واقعیت این است که ماهیت حوادث در اواخر قرن ۲۰ نه تنها ساختار نگاه دولت محور را به چالش کشیده است بلکه در تحولات امروز



بین‌الملل، دولت‌ها به‌ندرت تنها بازیگر صحنه درگیری هستند و انواع کنشگران پا به عرصه گذاشته‌اند؛ بنابراین واقعیت این است که نظریاتی که تنها بر دولت تأکید داشته‌اند و روابط بین‌الملل را دولت‌ها می‌دیدند نیاز به بازنگری دارند. به‌علاوه داده‌های استخراج‌شده از مؤسسات تحقیقاتی چون پیو<sup>۱</sup> نشان می‌دهد که دست‌کم ۸۴٪ از جمعیت جهان با یک گروه مذهبی شناسایی می‌شوند. اسلام سریع‌ترین دین در حال رشد در جهان است و انتظار می‌رود بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۶۰، جمعیت جهان ۳۲ درصد افزایش یابد (Sherwood, 2018).

برخلاف انتظار نظریه‌پردازان غربی نه‌تنها در جهان مدرن دین در حال رشد است بلکه بنا به عقیده برخی همچون کازنانوا<sup>۲</sup>، سنت‌های مذهبی در سراسر جهان از پذیرفتن نقش حاشیه‌ای و خصوصی شده که نظریه‌های مدرنیته و همچنین نظریه‌های سکولاریزاسیون برای آن‌ها در نظر گرفته‌اند، احساس نارضایتی می‌کنند از همین رو، مذاهب در سراسر جهان نه‌تنها به‌منظور دفاع از قلمرو سنتی و انجام رسوم گذشته خود بلکه برای تعریف و احیا جایگاه خود در مرزبندی‌های جهان مدرن، در بسیاری از منازعات سیاسی و عرصه عمومی وارد بین‌الملل شده‌اند (رک جوان پور هروی و محقق، ۱۳۹۹: ۱۹۴). به عقیده راپاپورت موج چهارم تروریسم که ما آن را تروریسم پست‌مدرن یا جدید می‌نامیم از ۱۹۷۹ آغاز شده و هنوز ادامه داشته و در حال شدت گرفتن است. راپاپورت این موج را موج مذهبی تروریسم می‌خواند. در این موج تروریسم انتحاری توسعه‌یافته است. تروریسم ممکن است صرفاً دارای ریشه‌های داخلی باشد و یا به دلیل وابستگی‌های دینی، نژادی، قومی و حتی ملی، از انگیزه‌ای فراملی و بی‌نال ملی نیز برخوردار شود. بنابراین ریشه‌ها و انگیزه‌هایی که منتهی به ایجاد پدیده‌ای به نام تروریسم می‌شود. طی دهه اخیر، کارشناسان غربی به ریشه‌های دینی و مذهبی در بروز جنگ‌ها و نزاع‌های بعد از جنگ جهانی دوم به‌ویژه در ظهور تروریسم توجه خاصی نموده‌اند. در این میان، آن‌ها نقش اسلام در گسترش این برخوردها را با طرح تئوری برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون مورد مطالعه و بررسی قراردادند (گوهری مقدم، ۱۴: ۱۳۸۸). این نگاه تقلیل‌گرایانه به نقش دین یا رابطه تروریسم بین‌الملل دینی مبین نظریه بین‌الملل دینی نیست اما مباحثی بر اینکه چرا دین می‌تواند بر روابط تأثیر بگذارد را بیان می‌کند. در همین راستا فاکس و

<sup>۱</sup> pew

<sup>۲</sup> Casanova

سندلر<sup>۱</sup> در بیان علل تقویت بنیادگرایی دینی در جهان امروز به ده علت اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

۱- در بسیاری از کشورها تلاش برای مدرنیزاسیون جامعه با شکست مواجه شده است و این دلیل واکنش منفی باریشه مذهبی به ایدئولوژی سکولار غربی بوده است.

۲- به علت پدیده استعمارگری و مسائل استعمار فرهنگی، عقاید سکولار غربی بیگانه و نامشروع قلمداد شده و تنها مذهب به‌عنوان مبنایی برای مشروعیت باقیمانده است.

۳- مدرنیزاسیون عواملی چون شیوه زندگی سنتی ارزش‌های عام و اخلاقیات را که مبتنی بر مذهب هستند را تحلیل کرده که همین خود واکنش منفی مذهبی را به مدرنیته در پی داشته است.

۴- مدرنیزاسیون با دادن آزادی عمل بیشتر به دولت و نهادهای مذهبی باعث تنش و درگیری بین مذهب و مدرنیته شده است.

۵- عموم مردم در نظام سیاسی نوین فرصت بیشتری برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی دارند که این امر باعث می‌شود تا بخش‌های مذهبی جامعه فرصتی برای اعمال نظرات خود بر دیگران نیز داشته باشند.

۶- وسایل ارتباط جدید به کمک گروه‌های مذهبی آمده و به آن‌ها در اشاعه بهتر افکار خود کمک می‌کند.

۷- گرایشی جدید در جامعه‌شناسی دین که انتخاب عقلانی یا تئوری اقتصادی مذهب است بیان می‌کند که آزادی انتخاب مذهب در بسیاری از جوامع پیشرفته باعث افزایش گرایش به مذهب شده است.

۸- سازمان‌های مذهبی نوین در فعالیت‌های سیاسی نقش دارند. به‌طور کلی بسیج سیاسی به تشکیلات و سازمان‌ها نیاز دارد و نهادهای مذهبی که به رسانه‌ها، بودجه‌های قابل توجه و شبکه‌های ارتباطی بین‌المللی دسترسی دارند برای این مقصود مناسب‌تر است.

۹- مدرنیته در آن دسته از مذاهب اصلی و غالب که جهانی‌تر شده‌اند، بیشتر باعث سکولاریزه شدن بخش‌های اقتصاد مذهبی شده است. این شرایط باعث ایجاد تمایل متقابل در قسمت‌های دیگر بازار مذهبی می‌شود، زیرا تقاضای رو به افزایشی برای مذاهب کمتر جهانی شده وجود دارد (محمودی کیا، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۵).

<sup>۱</sup> Jonathan Fox; Shmuel Sandler

در همین راستا استفاده از رسانه‌ها نیز بر گسترش نقش دین در روابط بین‌الملل تأثیر داشته است. از جمله گروه‌های رادیکال اسلامی که الزام به انجام جهاد از طرف همه مسلمانان، اهانت به غرب، ناسازگاری اسلام با قانون و حکومت سکولار، کافر یا مرتد نامیدن کسانی که از جهاد خودداری می‌کنند و حمایت از حملات انتحاری و حملات گرگ‌های تنها را تبلیغ می‌کردند. روایت دولت اسلامی بر گفتمان ساخت و حکومت اسلامی، با ساختار بسیار پیچیده استوار است. طراحی ایجاد یک دولت آرمان‌شهری که جایگزین دولت‌های موجود می‌شود و خدمات اجتماعی را مطابق با قوانین شریعت ارائه می‌کند (ذکاء دادگستر و رستمی، ۱۴۰۱: ۱۲). بدون شک قرائت دولت اسلامی نمی‌تواند نظریه روابط بین‌الملل اسلامی باشد.

در سوی دیگر وجود دولت‌های دینی در نظام بین‌الملل نشان می‌دهد که ماهیت اندیشه‌ها و مبانی سیاست دولت‌ها همان‌گونه که جریان اصلی بیان می‌کند تنها مبتنی بر سازوکارهای امنیت و منافع ملی و اقتصاد نیست بلکه همچون نظریات انتقادی که بر نقش ذهن و تقدم بر عین تأکید می‌کند باید گفت که پیش‌انگاره‌های یک دولت دینی هرگز نمی‌تواند با دولت غربی غیردینی در یک سطح قرار بگیرد. در سوی دیگر عرصه بین‌الملل امروز عرصه‌ای است که با وجود دولت‌هایی که نقش دین در سیاست آن‌ها بسیار پررنگ است. در این کشورها ساختارها، قوانین و مشروعیت نظام از دین گرفته می‌شود. به نظر می‌رسد می‌توان با وجود این بسترهای تأثیرگذار در صحنه‌های بین‌المللی به تأثیر دین ادعان کرد. برای مثال مراکش از ارتباط با مالی، سنگال، کامرون و ساحل عاج در محور دیپلماسی مذهبی به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار در آفریقای غربی تبدیل شد که با فشار این کشور در سراسر آفریقا به تدریج باعث کاهش وابستگی بیش‌ازحد مراکش به صادرات به اتحادیه اروپا شد. بدین ترتیب، مراکش با داشتن نیروی نظامی و مالی محدود از طریق قدرت نمادین به موفقیت دیپلماتیک و اقتصادی می‌رسد. این در حالی است که به نظر برخی با وجود نهادهای مذهبی سعودی، اماراتی، قطری، ایرانی، مصری، ترکی و الجزایری و مراکش زمینه بسیار رقابتی شده است. به‌علاوه به نظر برخی در بسیاری از موارد ظرفیت دین در حل بحران‌ها و چالش‌های جهانی گامی مفیدتر از سایر روش‌ها است. شاید بتوان گفت دیپلماسی دینی امروز به‌عنوان مؤثرترین راه مبارزه با خشونت افراط‌گرایی در آفریقا است و حتی کشورها نیز به سمت دیپلماسی دینی پیشرفته‌اند از جمله تلاش مراکش در این حوزه پس از تلاش‌های ناموفق فرانسه، سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده در حل بحران‌های آفریقا است (Czerep, 2021). البته پرداختن به تغییر ماهیت بازیگران و روابط

بین‌الملل به معنای تقلیل‌گرایی نظریه روابط بین‌الملل نباید منجر شود بلکه اهمیت این موضوع در آن است که امروزه دین در عرصه بین‌الملل به طرق مختلفی در جریان قرار دارد متنها می‌تواند تأکیدی براین باشد که باید به سمت شناخت خود نظریه روابط بین‌المللی دینی پیش رفت.

## ۲- تأثیر‌گذاری فقه در عرصه بین‌الملل

این احتمال وجود دارد که نظریه‌های روابط بین‌الملل غیر غربی وجود داشته باشند اما به علت موانع زبانی یا به این علت که در حوزه‌های مطالعاتی خارج از حوزه‌ی تعریف‌شده روابط بین‌الملل غربی قرار می‌گیرند یا به علت سایر مشکلات از گفتمان غربی پنهان مانده و بنابراین در مناظرات جهانی منتشر نمی‌شوند (قوام همکاران، ۱۳۹۳: ۳۰۷). از نظر این پژوهش شکل‌گیری نظریه روابط بین‌الملل اسلامی دست‌کم ظرفیت و پتانسیل وجودی را دارد و از مفاهیم اسلامی می‌تواند برای روابط بین‌الملل مورد توجه واقع گردد. البته باید خاطر نشان ساخت که در خصوص نظریه اسلامی روابط بین‌الملل چون اسلام و مسلمانان از منظر خاصی به جهان روابط بین‌الملل و پدیده‌های بین‌المللی می‌نگرند که ناشی از جهان‌بینی و مبانی و مفروضه‌های متفاوت آنان است و همان‌گونه که نظریه مارکسیستی و لیبرالی را ممکن و موجه می‌کند نظریه اسلامی روابط بین‌الملل را نیز معنادار و امکان‌پذیر می‌کند هرچند که هنوز یک نظریه مدون اسلامی روابط بین‌الملل تدوین نشده است اما می‌توان با اصول و مبانی مستخرج از معارف و آموزه‌های اسلامی آن را حداقل بیان کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۲۲۷-۲۲۶). رویکرد اسلامی به روابط بین‌الملل از آنجا که به نظم، نظام و روابط بین‌الملل مطلوب قائل است هنجاری می‌باشد به گونه‌ای که در چارچوب این نظریه امکان شکل‌گیری یک جامعه اخلاقی جهانی واحد بر اساس ارزش‌ها، منافع و نهادهای مشترک بشری تحت حاکمیت واحد اسلامی وجود دارد. نظم بین‌المللی مطلوب اسلام، اخلاقی و عادلانه است که تعالی و سعادت کل بشریت را تأمین می‌کند. ارزش‌های زیربنای نظم و نظام بین‌الملل اسلامی نیز اعتباری و قراردادی نیستند بلکه از آنجا که از قطرت انسانی نشات می‌گیرد واقعی و قابل کشف و تبیین می‌باشد (ابراهیمی و همکاران، ۲۵: ۳۸۹). از نظر قرآن مقصد، راه و نیز کمال مقصد و ارزش بودن ارزش‌ها در متن خلقت و آفرینش تعیین پیدا کرده است و انسان باید آنها را کشف کند و مقصد را بجوید و راه را بییابد. انسان در عین اینکه مجهز به استعداد فطری است نیازمند به راهنما و هادی است زیرا انسان با همه موجودات دیگر که استعداد طبیعی برای کمالات خود دارند یک تفاوت اساسی دارد و آن اینکه راه موجودات دیگر در طبیعت مشخص شده است و هر یک بیش از یک راه نمیتوانند

داشته باشند ولی انسان اینگونه نیست (شریعتی و انصافی مهربانی، ۱۳۹۴: ۱۰). در فرا نظریه رویکرد دین و ویژگی‌های خاصی وجود دارد که شامل موارد زیر است:

- ۱- اعتقاد به موجودات ماوراء طبیعی
- ۲- تمایز امور دینی و حرام
- ۳- نوشته‌ها و تشریفات مقدس
- ۴- قوانین اخلاقی تعیین شده توسط خدا
- ۵- احساسات دینی (مانند ترس، حیرت، احساس گناه، عبادت).
- ۶- نماز
- ۷- جهان‌بینی یا تصویری کلی از هستی
- ۸- ارائه نظام نسبت کاملی برای زندگی انسان (Torki, etal, 2021:86).

همچنین بررسی‌های کلی نشان می‌دهد که سه مفهوم کلیدی در تمام بحث‌های نظریه و حکم بین‌المللی اسلامی وجود دارد. اول مفهوم دولت و حاکمیت است. در مفهوم اسلامی، دولت به‌عنوان یک نظام حاکمیتی ظاهر نمی‌شود، بلکه یک امت اسلامی (جماعت مؤمنان) غیرقابل تقسیم است که توسط عصبیه (احساس گروهی) محدود شده است. ثانیاً، جهان‌بینی نظری اسلامی حاوی مفهوم درون/بیرون است. درون قلمرو اسلام (دارالاسلام) بیرون قلمرو دیگری (دارالحراب) است. در نهایت همه رویکردهای اسلامی یک هستی‌شناسی مشترک دارند. نقطه شروع معرفت قرآن و حدیث است (Turner, 2009)

باید گفت حتی مفاهیم در نگاه دینی مشابه نگاه غربی نیست برای مثال درحالی‌که نگاه غرب دولت-ملت محور است اما نقدهایی است که به مفاهیم غالب برآمده از نظم مدرنیته اشاره دارد برای مثال بر اساس آیین اسلام، مسلمانان در سراسر جهان یک جامعه اخلاقی، امت را تشکیل دهند. دیدگاه اسلامی به مقولات متعدد چون مشروعیت که باید الهی باشد یا به‌علاوه تصور فرا سرزمینی امت اصل عمده سازمان‌دهی تفکر و مفاهیم غربی را نسبت به روابط بین‌الملل به چالش می‌کشد. بر طبق اظهارات نویسندگان متعدد، تصور و ستفالیایی از نظم بر اساس دولت‌های مستقل که در نظریه‌های متعدد روابط بین‌الملل به‌عنوان بازیگر اصلی نظام محسوب می‌شود با درک اسلام از نظم بر اساس امت اسلامی مغایرت دارد و ثبات و انسجام جوامع اسلامی و صلاحیت قضایی آن‌ها را تحلیل می‌برد بنابراین، الگوهای غربی سازمان سیاسی و اجتماعی به‌علاوه ارزش‌های جهانی که آن‌ها حمایت می‌کنند، به‌عنوان موانعی برای گسترش ارزش‌ها و هویت اسلامی دیده می‌شوند (همان: ۲۰۲). یا در بحث حقوق بشر درحالی‌که ملل

متحد نیز در سال ۱۹۴۸ م درصدد بودند تا در فرایند تصویب حقوق بشر خود را از هرگونه تعلق به دین و آموزه‌های دینی جدا نگه‌دارند و آن‌ها قادر به درک این نکته نبودند که برای صدها میلیون تن از مردم جهان، که زندگی و حیاتشان ریشه در باورهای دینی دارد، حقوق بشر را تعریف می‌کنند تنها زمانی این امر معنادار است که با چهارچوب اعتقاداتشان سازگار باشد. اومانیسیم الحادی، با طرد نگاه اخلاقی مبتنی بر دین در سیاست‌ها و زندگی اجتماعی، عملاً دست خود را در توجیه حقوق بشر حتی برای غیر دین‌داران بسته است؛ زیرا این نوع از اومانیسیم از ترغیب مردم دین‌دار برای پذیرش حقوق بشری، که به باورهای مذهبی توجه ندارد، عاجز است و مشتمل بر سکولاریسمی است که قادر به درک مناسب چنین مناسباتی به لحاظ معرفتی، اخلاقی و معنوی نیست. در مقابل توجه به حقوق بشر سازمان‌های منطقه‌ای، راهکاری برای تحقق امنیت جامع است. در این رابطه سازمان کنفرانس اسلامی که محور تأسیس آن دین بوده است، با ۵۷ کشور عضو در چهار قاره جهان جمعیتی در حدود یک و نیم میلیارد و با وسعتی بیش از ۳۱ میلیون کیلومتر مربع که بخش بزرگی از گستره زمین را در برمی‌گیرد و نیز با برخورداری از یک‌سوم اعضای سازمان ملل متحد می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های ارکان سازمان ملل، به‌ویژه در حوزه حقوق بشر مهم تلقی گردد (طرفی حردانی و کوهکن، ۱۴۰۱: ۴۴).

مورد دیگر و قابل اشاره می‌توان به‌قاعده نفی سبیل اشاره کرد: **الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فُتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَتَمَنَعُكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَكَانَ يَجْعَلُ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا** (همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود خود را از شما دانسته، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم و اگر نصیب کافران شود به آنان می‌گویند: مگر نبود که ما رهنمودهای خود را به شما قبولانندیم و نمی‌گذاشتیم به دین مؤمنین بگرید، ولی خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مومنان داشته باشند) یا **افق آینده جهان که سوره مبارکه القصص آیه ۵ و تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ (۵)** (ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم) آمده است. البته شاید در ظاهر برخی اشتراکات عنوانی را در قیاس با نظریه‌های دیگر یافت از جمله اینکه بارها در قرآن مسئله تعقل بکار رفته است که در نظریات غربی با عنوان نظریه انتخاب عقلانی برای رفتار سیاسی شناخته می‌شود یا بحث رفتارگرایی درباره امر سیاسی که به استنتاج و تعمیم‌ها می‌پردازد و درآیات متعددی از قرآن نیز چنین مباحثی وجود دارد باین حال جوهره و ماهیت غربی با غالب بودن مادی‌گرایی آن هرگز

قابل نمی‌تواند با از نظر غایت‌مندی دیدگاه قرآنی یکسان پنداشته شود همان‌طور که از نگاه عقل‌گرایی که با محاسبه سود و زیان همراه است از منظر غربی تولید سلاح برای فروش و کشتن و نقض حقوق بشر با نگاه آشوب‌سازی و اقتصاد محورانه هرگز مورد تائید دیدگاه قرآن نیست.

### ۳- افزایش مطالعات دینی روابط بین‌الملل

از نظر گروه دان و همکارانش نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل بخش‌های مختلف یک پازل نیستند که با ترکیب منظم آن‌ها بتوان به تبیین هر بخش از روابط بین‌الملل پرداخت. از نظر آن‌ها نظریه‌های مطرح‌شده به‌مانند لنزهای رنگی متفاوتی عمل می‌کنند و هریک از آن‌ها رنگ متفاوتی به دنیای پیش روی پژوهشگر می‌بخشد؛ بنابراین از نظر آن‌ها این دیدگاه که نظریه‌های مختلف هر یک‌بخشی از جهان روابط بین‌الملل را تبیین می‌کنند رد می‌شود چراکه نظریه‌های دنیاهای مختلفی را می‌بینند به‌عنوان مثال نویسنده لیبرال همکاری بر سر مسائل محیط زیستی را از زاویه دید یک نظریه‌پرداز سبز نمی‌بیند یا یک نویسنده مارکسیست به شکل دیگری از قدرت، یعنی قدرت اقتصادی در مقایسه با قدرت سیاسی که مرکز توجه واقع‌گرایان کلاسیک است توجه می‌کند (رسولی ثانی آبادی، ۱۴۰۱: ۹۳). نظریه‌های عمده روابط بین‌الملل مانند رئالیسم و لیبرالیسم در تبیین، تشخیص یا حتی برشمردن بسیاری از تحولات مانند غیر عینی و ناملموس ناکام مانده‌اند. باین‌حال، تئوری‌هایی مانند ساخت‌گرایی و در شکل‌گرایی، ادراک واقعیت‌ها مبین‌المللی را از ارزش‌ها و چیزهای ناملموس جدا نمی‌کنند؛ اما آن‌طور که باید به مسائل دینی، هنجارهای دینی، هویت‌ها و فرهنگ‌های دینی، رهبری معنوی و ناملموس بودن و غیر عینی بودن آن‌طور که مبحث دین است توجهی نمی‌کنند (Torki, etal, 2021:81)

ا علاقه به مطالعه دین به‌طور پیوسته در نیمه دوم قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم تشدید شده است که با چندین رویداد قابل توجه از جمله دوران جنگ سرد و درگیری با کمونیسم، درگیری اعراب و اسرائیل، درگیری ایرلند شمالی مشخص می‌گردد. درگیری هند و پاکستان، انقلاب ۱۹۷۹ ایران، درگیری سریلانکا و جنگ داخلی لبنان و غیره. این روند پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده و متعاقب آن حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۱۱ و عراق در سال ۲۰۰۳ به اوج خود رسیده است. آدیونگ (نقل قول ۲۰۱۷، ۴) اشاره می‌کند که علاقه به مطالعه دین در افزایش تعداد انجمن‌ها، کمیته‌ها و گروه‌هایی که بر دین و سیاست متمرکز بودند، مانند انجمن بین‌المللی علوم سیاسی (IPSA)، انجمن علوم سیاسی آمریکا (APSA) و کنسرسیوم اروپایی برای تحقیقات

سیاسی (ECPR)، مشهود بود. وی خاطر نشان می‌کند که انجمن مطالعات بین‌المللی (ISA) یک بخش اختصاصی به نام دین و روابط بین‌الملل (REL) ایجاد کرده است که از سال ۲۰۰۱ در حال تقویت بوده است (Bakir, 2022). باید گفت نقدهایی که به مدرنیته و جدایی دین از سیاست نیز شده است بی‌دخیل در اهمیت دوباره به مطالعات دین و روابط بین‌الملل نبوده است. از آنجاکه مطالعه دین تقریباً در نظریه روابط بین‌الملل وجود ندارد و در نتیجه بازیگران بین‌المللی قادر به درک آن نیستند اما برخی افراد از جمله مادلین آلبرایت<sup>۱</sup>، وزیر خارجه پیشین ایالات متحده، به اهمیت دین به صورت یک امر مهم توجه دارد چنانچه بیان می‌کند: "برای اینکه امروز بتوانید سیاست خارجی را به‌طور مؤثر انجام دهید، باید نقش خدا و دین را درک کنید. تصور من این است که ما کاملاً درک نمی‌کنیم، زیرا در وهله نخست این موضوع بسیار پیچیده است و دوم، همه ما در ایالات متحده به جدایی دین از سیاست اعتقاد داریم" (Matyok, 2016).

### نتیجه‌گیری

نظریه‌های روابط بین‌الملل غربی با استفاده از سلطه قدرت غربی در طول چند قرن گذشته توانسته‌اند به جایگاه هژمونیک در عرصه آکادمیکی و محافل سیاسی راه یابند. با در نظر گرفتن اینکه هر نظریه‌ای برای کسی و هدفی ساخته می‌شود باید گفت اهداف نظریه‌پردازی غربی در درجه اول حل مسائلی است که در چارچوب منافع و پاسخ به نیازهای آن‌ها ساخته و پرداخته شده است پس عملاً نظریه جهان‌شمولی غرب را می‌توان نیز زیر سؤال برد.

به‌علاوه شکاف‌های نظری جهان غربی و غیر غربی موجب شده است تا با در نظر گرفتن تغییر در ماهیت روابط بین‌الملل، ظهور کنشگران جدید و تحولات متعددی که در عرصه بین‌المللی رخ می‌دهد امروزه تنها منابع بررسی روابط بین‌الملل منابع غربی نتواند مؤثر واقع شود. از همین رو از نظر این پژوهش شکل‌گیری نظریه روابط بین‌الملل اسلامی دست‌کم ظرفیت و پتانسیل وجودی را دارد که بتواند از برای روابط بین‌الملل مورد توجه واقع گردد. البته باید خاطر نشان ساخت که در خصوص نظریه روابط بین‌الملل اسلامی هنوز یک نظریه مدون اسلامی روابط بین‌الملل تدوین نشده است و تحولاتی که منبعث از ریشه دینی در سطح بین‌الملل در حال بروز و ظهور نیز است گویای کامل

<sup>۱</sup> Madeline Albright



نظریه روابط بین‌الملل دینی نیست چراکه به تقلیل‌گرایی منجر می‌شود. برای مثال نمی‌توان رفتار داعش را همان قرائت دین از روابط بین‌الملل نامید.

از سوی دیگر وجود ظرفیت در منابع دینی شایسته آن است که به دین در روابط بین‌الملل تنها از منظر نظریات دیگر پرداخته نشود بلکه خود نظریه روابط بین‌الملل دینی نیز می‌تواند با ورود به عرصه دانش روابط بین‌الملل نوید شکل‌گیری نظریات جدید بین‌المللی با رویکرد جدید باشد که در پژوهش حاضر دلایل وجود ظرفیت و ضرورت شکل‌گیری آن مورد واکاوی قرار گرفت. این پژوهش تلاش کرده است تا به ظرفیت‌ها و ضرورت‌های تأسیسی نظریه روابط بین‌الملل اسلامی بپردازد و بررسی‌های آن نشان داد که وجود ظرفیت این مبحث ناشی از این نگاه متفاوت و هستی‌شناسی دین است. در همین راستا روابط بین‌الملل و نگاه جهانی دین موجب می‌شود تا به روابط بین‌الملل همچون سایر مباحث اخلاقی، اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... نگریسته شود. واکاوی دلایل ضرورت لازم برای تأسیس این نظریه اسلامی در مباحثی چون ظهور بازیگران دینی در عرصه بین‌الملل، وجود دولت‌های دینی، تأثیر فقه بر روابط بین‌الملل و توجه ویژه محافل علمی و اندیشمندان به رابطه دین و روابط بین‌الملل بیان گردید. ضرورت‌های ایجاد نظریه روابط بین‌الملل اسلامی عبارت‌اند از:

- ۱- توجه به ظرفیت‌های مبانی مرتبط با روابط بین‌الملل از منظر دین
- ۲- پر کردن خلأ تحلیل‌های نظریات غربی نسبت به پدیده‌های مرتبط با دین
- ۳- جلوگیری از تقلیل‌گرایی رفتار کنش‌گران به‌عنوان نظریه روابط بین‌الملل دینی
- ۴- عبور از هژمونی نظریه‌های غربی در محافل آکادمیکی
- ۵- توجه به ظرفیت‌های مبانی دین در خصوص بین‌الملل همچون سایر مباحث مطرح‌شده توسط دین در خصوص اجتماع، سیاست، جامعه، مسائل اعتقادی و عبادی، اقتصاد و سیاست برای جمع‌بندی دیدگاه‌ها در مورد نقش دین در سیاست بین‌المللی می‌توان بیان داشت که عرصه امروز بین‌الملل تنها معطوف به بازیگران دولتی نیست به‌علاوه نظریات رایج غربی که عمدتاً نگاه عینی و دولت‌محوری را سرلوحه مطالعات قرار می‌دهند نمی‌تواند در تحلیل و درک نقش مباحث دین و روابط بین‌الملل موفق باشد همچنین نمی‌توان از نگاه غرب محوری به نقش دین در روابط بین‌الملل پرداخت زیرا این چارچوب نظری نیز عمدتاً با رویکرد تقلیل‌گرایانه و قرائت محور کنشگران از دین به تحلیل پدیده‌ها می‌پردازند درحالی‌که اصل مبحث نظریات دینی روابط بین‌الملل

مغفول مانده است. از همین رو در پاسخ به پرسش پژوهش که آیا ضرورت توجه به نظریه‌پردازی دینی روابط بین‌الملل وجود دارد یا خیر پژوهش به این نتیجه رسیده است که نه تنها سوق پژوهش به سمت واکاوی نظریات روابط بین‌الملل دینی می‌تواند در شناخت دقیق و ارزیابی رفتار کنشگران مؤثر واقع شود بلکه می‌تواند در عبور از تنگنای نظری و با محوریت غربی راه را برای ورود نظریات جدید روابط بین‌الملل با رویکرد دینی هموار سازد. در خاتمه پیشنهاد زیر در راستای تقویت نظریه‌پردازی دین ارائه می‌شود:

- ۱- ترغیب و تشویق پژوهشگران برای توجه به روابط بین‌الملل از منظر دین
- ۲- برگزاری کرسی‌ها، نشست‌های علمی مرتبط با نظریه‌پردازی دینی
- ۳- گسترش مباحث فرا نظری و نظریه‌پردازی
- ۴- مقایسه قرائت‌های متفاوت روابط بین‌الملل از منظر دینی
- ۵- استفاده از فناوری و ارتباطات جدید در بسط نظریه‌پردازی اسلامی

## منابع

قرآن کریم.

ابراهیمی، شهرزاد؛ ستوده، علی اصغر و شیخون، احسان (۱۳۸۹). «رویکرد اسلامی به روابط بین الملل در مقایسه با رویکردهای رئالیستی و لیبرالیستی»، فصلنامه دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲، صص ۴۲-۵.

جوان پور هروی، عزیز و محقق، حمید (۱۳۹۹). «عوامل مؤثر بر پیدایش و گرایش به بنیادگرایی»، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۹۸-۱۶۸.

حقیقت، سید صادق (۱۳۹۸). روش شناسی علوم سیاسی، قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ پنجم. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). نظریه و فرا نظریه در روابط بین‌الملل، تهران: نشر مخاطب.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۵). «مبانی فرانظری نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، قابل دسترس: <https://rasekhoon.net/article/show/1200408>

ذکاء دادگستر، هادی و رستمی، محسن (۱۴۰۱). «عملکرد سازمان ملل در بحران‌های غرب آسیا (با تأکید بر بحران سوریه، داعش، یمن)»، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال دوم، شماره ششم، تابستان، صص ۲۴-۱

رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۴۰۱). نظریه، فرا نظریه و مفاهیم در روابط بین‌الملل، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.

شریعتی، صدرالدین؛ انصافی مهربانی، سپیده (۱۳۹۴). «نگاهی به جبر و اختیار در مکتب اسلام و دلالت‌های تربیتی آن»، فصلنامه پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۲۹-۷

طرفی حردانی، سهام و کوهکن، علیرضا (۱۴۰۱). «پیامدهای جهانی شدن بر حقوق بشر»، فصلنامه مطالعات علم حقوق، سال دوم، شماره هشتم، زمستان، صص ۳۹-۲۴.

قوام، عبدالعلی؛ فاطمی‌نژاد، احمد و شکوهی، سعید (۱۳۹۳). نظریه روابط بین‌الملل پیشینه و چشم‌انداز، تهران: نشر قومس، چاپ دوم.

گوهری‌مقدم، ابوالفضل (۱۳۸۸). «تروریسم جدید: چارچوبی برای تحلیل»، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۳۴-۱۱

محمودی‌کیا، محمد (۱۳۹۶). «تهدید هنجاری و باز خیزش دین در روابط بین‌الملل؛ چیستی، چرایی و نحوه تعامل»، پژوهش‌های جهان اسلام، سال ۷، شماره ۳، صص ۱۵۴-۱۲۴

های، کالین (۱۳۹۷). درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی، ترجمه احمد گل محمدی، تهران: نشر نی،

چاپ ششم.

- Bakir, A. (2022). Retrieved from Islam and International Relations (IR): why is there no Islamic IR theory? <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/01436597.2022.2121695>
- Buzan, B. (2010). Non-Western International Relations Theory: Perspectives on and beyond Asia. Routledge.
- Czerep, J. (2021, jan 12). PISM. Retrieved from Morocco's Religious Diplomacy Drives Its Expansion in Africa: [https://www.pism.pl/publications/Moroccos\\_Religious\\_Diplomacy\\_Drives\\_Its\\_Expansion\\_in\\_Africa](https://www.pism.pl/publications/Moroccos_Religious_Diplomacy_Drives_Its_Expansion_in_Africa)
- Matyok, T. (2016, 12 04). Retrieved from THE VITAL ROLE OF RELIGION IN CIVIL-MILITARY INTERACTION: <https://smallwarsjournal.com/jrnl/art/the-vital-role-of-religion-in-civil-military-interaction>
- Sherwood, H. (2018, Aug 27). Retrieved from Religion: why faith is becoming more and more popular: <https://www.theguardian.com/news/2018/aug/27/religion-why-is-faith-growing-and-what-happens-next>
- Torki, H., Ghorbani Sheikhneshin, A., & Rabiey, M. (2021). Quiddity and Position of Religion Inspiration in Theories of International Relations With Emphasis on the Islamic Revolution. Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution, 3(7), 75-96.
- Turner, J. (2009). Retrieved from Islam as a Theory of International Relations?: <https://www.e-ir.info/2009/08/03/islam-as-a-theory-of-international-relations/>